

جرم شناسی فقهی و حقوقی کودک آزاری

محمدحسین طارمی

در بخش نخست این مقاله، پس از مفهوم شناسی کودک آزاری، جلوه های گوناگون این پدیده نابهنجار از منظر حقوق بین الملل و حقوق ایران بررسی شد. در ادامه به اقسام حرمت آن از نگاه فقه و احکام فقهی فقها نگریسته می شود.

کودک آزاری از نگاه فقه

با توجه به تعریفی که از کودک آزاری گذشت، از ابواب متعددی می توان حکم حرمت کودک آزاری را استفاده نمود.

۱. کودک آزاری از مصادیق ظلم

یکی از بزرگ ترین گناهان، ظلم و آزار به کسی است که هیچ پناه گاهی جز خداوند ندارد. در حدیث نبوی می خوانیم: "أَنَّهُ قَالَ: قَالَ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ -: اَشْتَدَّ عَضْبِي عَلَى مَنْ ظَلَمَ أَحَدًا لَا يَجِدُ نَاصِرًا غَيْرِي" (۱) بنابراین، یکی از مصادیق بارز آن، ظلمی است که از سوی والدین یا سرپرستان قانونی به فرزندان می شود. لذا ظلم والدین به فرزندان از مسلم ترین اعمال حرام بوده و ممنوع است. البته از دیدگاه اسلام هر گونه آزار جسمی و روانی کودک حرام است. از این رو، علاوه بر حرمت تکلیفی، حکم وضعی آن نیز که عبارت است از مجازات جزائی و ضمان مدنی در مورد والدین ظالم اجرا خواهد شد.

از مصادیق بارز ظلم والدین، آزار کودک بی پناهی است که سرپرستی او را بر عهده دارند، چرا که از وظایف پدر و مادر حفظ و تربیت کودک است. لذا ایشان حق ندارند به هیچ بهانه ای صدمه ای جسمی یا روحی به کودک وارد کنند. ضمن این که، جواز تادیب کودک منوط به شرایط و محدود به حدود خاصی است. لذا والدین نمی توانند به استناد حق تادیب به هر شیوه ای برای تادیب کودک خود توسل جویند. از این رو اگر تنبیه بدنی خارج از حد ضرورت یا بیش از مقدار لازم باشد، تعدی بوده، موجب ضمان، دیه و مجازات تعزیری است.

آیه الله العظمی صافی گلپایگانی (دام ظلّه) در این مورد می فرمایند: "تادیب فرزندان بر پدر لازم است، لکن در حدودی که شارع مقدس اجازه داده و دستور شرع - به اتفاق همه مراجع تقلید دامت برکاتهم - این است که تنبیه باید به نحوی باشد که موجب دیه نشود" (۲).

آیه الله صانعی (دام ظلّه) در این باره می گوید: "هیچ شرع و قانونی چه رسد به شرع مقدس اسلام که دینی الهی است، آزار انسان ها، چه رسد به کودکان مظلوم و بی پناه آن هم در محیط بسته خانه را اجازه نداده و نمی دهد و عقل و نقل و همه علما و فقها اجمالا آن را حرام، معصیت، گناه، ظلم و ایذاء می دانند و ناگفته نماند که به حکم اطلاق ادله حرمت ظلم و اذیت، فرقی بین ایذاء جسمی و روحی نمی باشد و هر دوی آنها حرام است و مرتکب اش به علاوه از ضمان و لزوم جبران خسارت و ضرر وارده به کودک، همانند ضرر به دیگران مستحق تعزیر هم می باشد. پس آزار کودکان از طرف والدین جایز نبوده و نیست و کودک آزاری از طرف آنها در شرع مقدس حرام و معصیت می باشد، بلکه عمده و غالب انواعش - اگر نگوییم همه اش - از معاصی کبیره است.

این بود بیان حکم کلی مسأله، اما راجع به رفع معضل مفروض در سؤال، راهکار جلوگیری از آن، مانند راهکار جلوگیری از ظلم به دیگران در اسلام پیش بینی شده و بر همگان، مخصوصا دولت مردان قانون گذاری و اجراء تشکیل محاکم جلوگیری از ایذاء و به فریاد چنان مظلومان بی پناه رسیدن واجب شرعی و عقلی است، بلکه بر آنها به علاوه از تکلیف یک حق هم می باشد، چون هر مظلومی بر حکومت حق رفع ظلم از خودش دارد و حکومت باید جلوی هرگونه ایذاء و اذیت را گرفته و عدالت را اجرا نماید و مسأله حمایت، قاعدتا همان حضانت، سرپرستی و تربیت کودک و حفظ بدن و روح و جان او می باشد، که به پدر و مادر واجب شده است. آری! در راستای ادب و تربیت کودکان از طرف آنها تنها زدن حداکثر تا پنج ضربه و یا شش ضربه، نه زیادت، آن هم با انحصار راه تربیت به آن و در مسیر جلوگیری از فساد اخلاقی و ارتکاب کارهای ناشایست و به شرط این که ضربه به طور سخت و موجب زخم شدن و یا تغییر رنگ پوست نباشد اجازه داده شده و ناگفته نماند با آن که امروزه تربیت اولاد و رشد استعدادهای آنان، خود رشته بسیار با اهمیت و دارای علما و متخصصین می باشد، نیاز به تنبیه بدنی - که معمولا مانع از تربیت و رشد استعدادهاست - بسیار نادر بوده و هست و بر همه قدرت های تبلیغی و فرهنگی است که راه های احسن تربیت، ادب و فرهنگ را تبلیغ نموده تا طبعاً پدران و مادران مهربان و همه مربیان از آن راه ها استفاده کنند و راه کودک آزاری مسدود گردد و باید همگان را به سیره رسول گرامی اسلام (ص) در جلوگیری از تربیت و ادب در هنگام غضب و خشم متوجه ساخته، تا ادب و تربیت همراه با عاطفه و حاکمیت عقل و علم و خرد انجام گیرد؛ چرا که حالت خشم و غضب در هنگام تربیت و ادب همه جهات عقلانی و انسانی تربیت را مستور نموده و پرده حجاب سخت و آهنینی بر روی همه آنها قرار می دهد، که نعوذبالله منه، امید است که با فرهنگ سازی هرچه بیشتر و اصلاح در قوانین حمایت از کودکان و بررسی مجدد قوانین مجازات و تعزیرها با توجه به شرایط اجتماعی، زمان ها و مکان ها در جهت پیش گیری از پدیده کودک آزاری دیگر شاهد این پدیده ی شوم نباشیم". (۳)

۲. کودک آزاری به واسطه سوء نیت در تادیب

هدف اصلی در جایز بودن تادیب کودک، تربیت صحیح اوست. لذا والدینی می توانند در این مسیر گام بردارند که این هدف، آرمان تربیتی آنان باشد. لذا تادیب کودک با انگیزه تشفی خاطر یا کاستن از فشارهای عصبی

خود و مانند آن جایز نیست. بسیاری از فقها در کنار حکم به جواز تادیب، بدین نکته نیز اشاره نموده اند. لذا صدمات ناشی از تادیب با سوء نیت نیز از دیگر مصادیق کودک آزاری به شمار می رود، که علما نیز بدان تصریح دارند.

مرحوم آیت الله گلپایگانی (ره) بر این نکته تاکید بسیار دارند، که، تادیب فیزیکی نباید از روی خشم نا بجا و تشفی خاطر باشد: "و کذا لا يجوز ضرب الصبی المميز، للغضب وتشفی القلب". (۲)

به طور کلی تادیب کودکان باید با هدف اصلاح ایشان و در راستای مصلحت باشد. ایشان در تذکری فقهی و اخلاقی می فرمایند: "ثم إنه لابد من أن يكون المقصود والهدف في مقام الضرب هو التادیب الرجوع إلى مصلحة الصبی لا ما يثيره الغضب النفساني وإلا فربما يؤول الامر إلى أن يودب المودب، لان ضربه لم يكن لله تبارک وتعالی. وعلى هذا، فلا بد من أن يكون ضربه في الحال الطبيعي العادی، لا حال الغضب، ولو كان مغضبا يكون غضبه لله تعالی لا لنفسه حتى يسوغ ضربه، وهذه الحالة قلما توجد إلا في النفوس الزکیه الطاهره". (۳)

۳. کودک آزاری به واسطه تادیب نامناسب

چنان که فقهای عظام (ره) و حضرت امام خمینی (ره) فرموده اند (۴)، تادیب زمانی جایز است که به مصلحت کودک و در حد متعارف باشد. از این رو، آن گاه که در تادیب، مصالح کودک در نظر گرفته نشود یا به کودک بیش از حد متعارف صدمات جسمی و روانی وارد شود، کودک آزاری تحقق یافته است.

گذشته از تادیب بدنی غیر مجاز که پیش از این بررسی شد، تادیب غیر مجاز، شکل دیگری نیز دارد، که ناشی از صدمات روانی است. از این رو، والدین و پس از ایشان، مربیان آموزشی و پرورشی، بیشترین وظیفه را در پرورش روانی و اخلاقی کودک دارند. لذا چنان که برخورد ایشان با کودک به گونه ای باشد که کودک از احساس امنیت روانی و فکری کافی برخوردار نباشد و یا کودک دچار پریشانی روانی گردد، کودک آزاری تحقق یافته است. از این رو، والدین حق توهین به کودک خود را ندارند و هر گونه دشنام، چنان چه خارج از اهداف تربیتی متعارف باشد، قابل برخورد است.

از سوی دیگر، به والدین توصیه شده است که نام نیکو بر فرزندان خود بگذارند تا در بزرگسالی از نام بد در رنج نباشند، چرا که اسلام به شخصیت کودک ارزش و اهمیت ویژه ای قائل شده و والدین را ملزم نموده که به گونه ای با کودک رفتار کنند که شخصیت اخلاقی و روانی او رشد یابد، لذا در روایات زیادی، احترام گذاشتن به کودک را لازم، (۵) والدین را از تبعیض بر حذر، و ایشان را موظف به جبران حقارت ها و کمبودهای عاطفی نموده است. (۶)

بنابراین، از مجموعه روایات می توان اهتمام اسلام برای تامین نیازهای روانی کودکان و لزوم توجه والدین به این مهم را دریافت

حد متعارف تادیب چه مقدار است؟

یکی از ابهامات قانونی در تادیب فیزیکی کودک، عدم تعریف حد متعارف و محدوده مجاز تنبیه بدنی است. در حقیقت می توان علت این امر را نسبی بودن آن نسبت به کودکان مختلف دانست. لذا قانونگذار تعیین میزان دقیق حد متعارف تادیب را بر عهده قاضی گذاشته و او موظف است با مراجعه به عرف، میزان متعارف را معین کند.

یکی از معیارهایی که در فقه برای حد متعارف تنبیه بدنی از سوی سرپرست کودک بیان شده، آن است که زدن کودک باید به گونه ای باشد که موجب دیه نشود. محقق سبزواری در این زمینه می فرماید: «تادیب با زدن نباید به گونه ای باشد که از محل ضرب خون جاری شود و نباید ضربات شدید باشد. شیخ در مبسوط قولی را نقل کرده است که بر اساس آن باید کودک را با پارچه ای، یا حوله ای و یا با پوستین زد و نباید او را با تازیانه یا چوب زد. در برخی روایات آمده است که او را باید با مسواک زد. برخی اصحاب گفته اند که باید هنگام زدن از مواضع خطرناکی چون صورت، خاصره، دل و مانند آن ها پرهیز نمود. ضمن این که ضربات را بر یک موضع نزنند، بلکه به جاهای متعددی بزنند تا مراعات سلامتی و حال او شود».

شیخ محمد علی انصاری نیز در موسوعه فقهیه، بدین نکته اشاره می کند که تادیب نباید بیش از حد متعارف باشد: ایشان می فرمایند: "زدن و تادیب بیش از حد متعارف زیاده روی در تادیب بوده و موجب ضمان در غیر قتل و محرومیت از دیه در قتل خواهد شد. البته این سخن با قطع نظر از حرمت تکلیفی است، چرا که تادیب خارج از حد لازم و متعارف، به معنای عقوبتی غیر شرعی بوده و حرام است. علامه (ره) در کتاب تذکره در این زمینه می فرماید: هیچ مخالفی نیست در این که اگر کسی در تادیب و مانند آن زیاده روی شود، یا بیش از مقداری باشد که هدف را تامین می کند (مثلاً بیش از مقدار تاثیر گذار در اصلاح کودک باشد)، یا کودکی را بزند که عقل و فهم ندارد (کودک غیر ممیز)، مستوجب ضمان خواهد بود. بلکه صاحب جواهر ادعا نموده است که: اگر پدر یا پدر بزرگ کودک را در حد مجاز بزنند و کودک بمیرد مستوجب ضمان است. سپس ایشان از طریق قیاس اولویت، معلم و سایرین را در چنین مواردی الحاق به مورد نموده است. این سخنان نسبت به این مقدار جایز بود و چنین سخنانی بر اساس قیاس اولویت، دلالت بر ضمان تادیبی است که غیر جایز بوده و زیاده روی باشد. در حقیقت تردیدی در این نیست که زیاده روی در تادیب مستوجب ضمان است."

حضرت آیه الله صافی گلپایگانی نیز در توضیح حد متعارف تادیب و تنبیه بدنی می فرمایند: "دستور شرع به اتفاق همه مراجع تقلید دامت برکاتهم این است که تنبیه باید به نحوی باشد که موجب دیه نشود". (۱۱)

مرحوم شیخ الفقها آیه الله اراکی (ره) نیز می فرمایند: "هرگاه تادیب طفل متوقف باشد بر ضرب، جایز است، ولی باید سرخ و کبود نشود و در فرض جواز، حکم تکلیفی با حکم وضعی منافات ندارد، مثل اکل در مخمسه... که با ضمان منافات ندارد، پس هر گاه سرخ یا کبود یا سیاه شود دیه مقرر را دارد".

از بیانات علما و سخنان دیگری از این قبیل می توان دریافت که در فقه محدوده ای معین از حد متعارف تادیب و تنبیه بدنی ذکر شده که می تواند روشن گر ابهامات قانونی باشد، به ویژه که برخی، کودک آزاری و دشواری کشف آن را ناشی از سوء استفاده مجرمین از ابهامات این چنینی قانون می دانند.

لازم به ذکر است که تربیت اسلامی، گرچه تنبیه بدنی را نفی نمی کند، اما آن را بسیار محدود و به عنوان راهکار نهایی توصیه می کند.

آیه الله مکارم شیرازی در پاسخ به سئوالی در مورد حکم تنبیه بدنی و محدوده آن می فرمایند: "تنبیه بدنی کودکان در عصر و زمان ما عوارض و پیامدهای نامطلوبی دارد و لذا حتی الامکان باید از آن صرف نظر کرد و از طرق دیگر، نظیر تشویق ها یا محرومیت از برخی امکانات و مسافرت ها و تفریحات با آنها برخورد کرد." (۱۲) در اسلام بیش از آن که به تنبیه بدنی توصیه شده باشد، نسبت به تربیت همراه با محبت و مدارا توصیه شده است. هرچند تنبیه بدنی در حد متعارف نیز برای مواقع خاصی مجاز شمرده شده است.

مرحوم آیت الله گلپایگانی (ره) در توضیح فلسفه جواز تادیب فیزیکی می فرمایند: "فالظاهر فیه ایضا الجواز وذلك لان وظيفه الوالدین تادیب اولادهم و تربیتهم علی الاخلاق الکریمه و الآداب الحسنه، و تمرینهم و تعویدهم علی کرائم العادات و فعل الحسنات و منعهم عن کل عمل یضر بانفسهم و بغيرهم، و علی ولی الاطفال تکمیل نفوسهم و سوقهم الی ما فیه صلاحهم و سدادهم، و ضرب الاطفال لهذه المقاصد المهمه و الاهداف العالیه لا یعد ظلما وإنما هو إحسان إلیهم کی یسعدوا بها فی حیاتهم و یفوزوا بها بعد مماتهم، ف ضرب الصبی حیث یذک کالعملیه الجراحیه الّتی توجب الالم ولكنها إحسان إلی المریض" (۸) بر اساس این سخن که برگرفته از برخی احادیث می باشد (۹)، در حقیقت، تنبیه بدنی تنها در صورتی مجاز است که راهی جز آن نباشد، چرا که در این صورت تنبیه بدنی همچون جراحی دردناکی است که جان کودک مبتلا به بیماری رفتاری را نجات می دهد.

در این راستا روایات بسیاری بر ضرورت توجه و دقت والدین بر تربیت صحیح فرزند وارد شده (۱۰)، که در همه آنها لازمه تربیت صحیح فرزند، نظارت بر رفتار و گفتار اوست. نباید فرزند را رها نموده به حال خود گذاشت و یا بیش از حد او را تحت فشار قرار داد. افراط و تفریط در این امر زیان بار است. لذا نباید چون راسل معتقد به آزادی مطلق فرزند شد و نه چون قانون حمورابی گفت: "اگر کودکی دست به روی پدرش بلند کرد آن دست را باید برید. و اگر کودکی به پدر یا مادرش بگوید من بچه تو نیستم، باید زبان او را با چاقو برید." (۱۱) بنابراین، بهترین شیوه تربیت، تربیت معتدل اسلامی است که از سویی والدین را موظف کرده که به تربیت اولاد توجه کنند و از سوی دیگر، ایشان را تشویق به محبت نسبت به فرزندان نموده و به جای خود اجازه، تادیب غیر فیزیکی و تادیب فیزیکی محدود را بدو داده است.

۴. کودک آزاری به واسطه کوتاهی در وظایف سرپرستی

فرزند پس از تولد تحت سرپرستی والدین است و ایشان موظف به مراقبت و سرپرستی از وی می باشند. این نوع سرپرستی تحت عنوان "حضانة" و "ولایت" در عبارات فقها ذکر شده است. صاحب جواهر در تعریف حضانة گوید: "فهی کما فی القواعد و المسالک، ولایه و سلطنه علی تربیه الطفل وما یتعلق بها من مصلحه حفظه" (۱۲)

از این رو والدین کودک، مسئول سلامت جسمی، روانی و رفتاری کودک خود هستند و نباید در حفظ سلامت فرزند خود کوتاهی کنند. و اگر عمداً به سلامت و بهداشت او بی توجهی نمایند، ترک واجب نموده اند. ضمن این که اگر مصلحت در تحصیل فرزند (در حد نیاز) باشد، ایشان موظف اند برای حفظ مصلحت آینده او، مانع از تحصیل کودک نشوند. بنابراین، می توان از این باب بسیاری از مصادیق کودک آزاری ناشی از ترک فعل را از نظر فقه ممنوع دانست.

۵. کودک آزاری به واسطه عدم رعایت مصلحت کودک

والدین به عنوان سرپرست و ولی کودک موظف هستند که مصالح کودک را رعایت نموده در جهت حفظ آن تلاش کنند. از این رو، به کارگیری کودک در افعال و اعمال حرامی، چون خرید و فروش مواد مخدر یا ترویج فحشا و فساد؛ به یقین بر خلاف مصلحت ایشان بوده و حرام است. لذا از این باب می توان کودک آزاری ناشی از بهره گیری خلاف را ممنوع شمرد. ضمن این که، ارتکاب اعمال منافی عفت با کودک که از مصادیق کودک آزاری جنسی است، علاوه بر حرمت، مستوجب اجرای حد الهی بر مرتکب می باشد. به عنوان نمونه، امام خمینی (ره) در مورد زنا با محارم، که شامل فرزند دختر می شود، می فرماید: "یجب (القتل) علی من زنی بذات محرم للنسب کالام و البنة" (۱۳) و به طور کلی در مورد زنا با کودک می فرمایند: "لو زنی البالغ العاقل المحصن بغير البالغه او المجنونه فهل علیه الرجم ام الحد دون الرجم؟ وجهان: لا یبعد ثبوت الرجم علیه" (۱۴) البته شهید اول در لمعه و شهید ثانی در شرح آن زنا با کودک را مستوجب حد جلد (تازیانه) می دانند. (۱۵) ایشان در مورد لواط می فرمایند: "لو لاط البالغ العاقل بالصبی موقبا قتل البالغ" (۱۶).

نتیجه گیری

از آن چه بیان شد به دست می آید که از نظر حقوق ایران که انواع کودک آزاری ممنوع بوده و دارای مجازات قانونی است. از منظر فقهی نیز از ابعاد مختلفی می توان به ممنوعیت فقهی آن پی برد، از جمله حرمت کودک آزاری جسمی و روانی به واسطه ظلم و ایذاء. از دیدگاه فقه، تادیبی به مصلحت کودک است که موجب صدمه جسمی یا روانی خارج از حد نباشد، بنابراین، تادیب کودک در حدی جایز است که موجب ثبوت دیه نگردد. از سوی دیگر به واسطه وجوب حفظ و سرپرستی کودک توسط والدین و سرپرست قانونی او، کوتاهی در این امر که سبب کودک آزاری ناشی ترک گردد ممنوع است، لذا سرپرست کودک موظف است در جهت حفظ سلامت جسمی و روانی کودک بکوشد، نه این که آن را به خطر اندازد. به کارگیری کودک باید بنا به مصلحت عقلایی کودک باشد، از این رو می توان کودک آزاری ناشی از بهره گیری خلاف را ممنوع دانست، مصادیق

کودک آزاری جنسی نیز به صراحت از سوی شارع مقدس و فقهای عظام ممنوع و مستوجب مجازات های سنگینی است.

پی نوشت ها :

۱. و همچنین در حدیث دیگری آمده است: "الكافی عن مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیْسَى عَنْ الْحُسَیْنِ بْنِ سَعِیدِ بْنِ إِبرَاهِیمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِیدِ بْنِ الْوَلِیدِ بْنِ صَبِیحِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: مَا مِنْ مَظْلَمَةٍ أَشَدَّ مِنْ مَظْلَمَةِ لَأَ یَجِدُ صَاحِبَهَا عَلَیْهَا عَوْنًا- إِلَّا اللَّهُ" ر.ک: بحار الانوار ج ۷۲، ص ۳۳۰.

۲. آیت الله گلپایگانی(ره)، در المنزود، ج ۲، ص ۲۸۱.

۳. همان، ج ۲، ص ۲۹۱.

۴. ر.ک: امام خمینی(ره)، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۷۷، مسئله ششم.

۵. فی ما اوصی به امیر المومنین عند وفاته: و ارحم من اهلك الصغیر و وقر منهم الکبیر". از وصایای علی علیه السلام به هنگام شهادت این بود که در خانواده خود به کودکان عطف و مهربان باش و بزرگ ترها را احترام کن. همان الحدیث، روایات تربیتی، محمد تقی فلسفی، ج ۳، ص ۵۸، فصل محبت به کودکان.

۶. امام صادق(ع) از پدر گرامی خود نقل کرده است که می فرمود: "به خدا قسم رفتار من با بعضی از فرزندانم از روی تکلف و بی میلی است، او را روی زانوی خود می نشانم، محبت بسیار می کنم، از وی شکرگزاری و قدردانی می نمایم، با آنکه این همه احترام و محبت شایسته فرزند دیگر من است، باین تکلف تن می دهم، او و برادرانش را بیش از حد احترام می کنم برای اینکه فرزند شایسته ام از شر آنان مصون باشد، برای اینکه اینان با کودک عزیز من رفتاری را که برادران یوسف با یوسف نموده اند ننمایند. خداوند سوره یوسف را به طور نمونه بر پیغمبرش فرو فرستاد تا افراد نسبت به یکدیگر حسدورزی نکنند و مانند برادران حسود یوسف، به حسد و ستم آلوده نشوند." الحدیث، همان، روایات تربیتی، ج ۳، ص ۶۷. فصل جبران حقارت.

۷. محقق سبزواری، کفایه الفقه، ص ۱۸۹.

۸. در المنزود، همان، ص ۲۸۲.

۹. نهج البلاغه: "واما حق الولد علی الوالد ان یحسن اسمه ویحسن ادبه ویعلمه القرآن". وفی رساله الحقوق للإمام علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام: "واما حق ولدک فتعلم انه منک ومضاف إلیک فی عاجل الدنیا بخیره وشره وانک مسئول عما ولیته من حسن الادب والدلاله علی ربه والمعونه له علی طاعته فیک وفی نفسه فمثاب علی ذلک ومعاقب علی" ر.ک: حاشیه کتاب در المنزود، همان.

۱۰. امام سجاد علیه السلام در این رابطه می فرماید: "عن علی بن الحسین (علیه السلام): و اما حق ولدک فتعلم انه منک و مضاف الیک فی عاجل الدنیا بخیره و شره و انک مسئول عما ولیته... فاعمل فی امره عمل

المتزين بحسن اثره عليه في عاجل الدنيا المعذر الى ربه فيما بينك و بينه بحسن القيام عليه و الاخذ له منه؛ حق فرزندت به تو اينست كه، بدانی وجود او از تو و نيك و بدش در اين جهان وابسته به تو است و با دارا بودن قدرت و سلطه پدری، مسئول تربيت وی هستی، بايد رفتار تو در باره فرزندت همانند رفتار مربی شايسته ای باشد كه تربيت صحيح اش در اين جهان مایه زیبایی و جمال اخلاقی فرزند گردد و در پیشگاه الهی دليل وظيفه شناسی اش باشد." تحف العقول، ص ۲۶۳ و نیز كتاب الحديث محمد تقی فلسفی، ج ۲ ص ۳۴۹.

۱۱. ماده ۱۹۲ و ۱۹۳ قانون حمورابی.

۱۲. جواهر الكلام، ج ۳۱، ص ۲۸۳

۱۳. امام خمینی (ره)، تحرير الوسيله، ج ۲، ص ۴۱۷. كتاب الحدود، القول في الحد، حد القتل.

۱۴. همان، مساله ۲، ص ۴۱۸، مساله ۲، حد الرجم.

۱۵. شهيد ثانی، الروضه البهيه في شرح اللمعه دمشقيه، كتاب الحدود، حد زنا، بحث حد جلد.

۱۶. امام خمینی، همان، الفصل الثانی فی اللواط، ص ۴۲۳، مساله ۴.